به نام خدا

گزارش شركت در جلسه معاونت علمي و فن‏آوري نهاد ـ 27/4/1390

1. بنده از مركز مديريت حوزه‌هاي علميه برادران، دو نفر از جامعة‌المصطفي(ص) و يك نفر از مؤسسه امام خميني(ره) حاضر بود. هيچكدام هم از مدعوّين نبودند، همه به نمايندگي از مديران آمده بودند.
2. دكتر …… از عدم حضور مديران ناراضي بود. ايشان فرمودند: ما قصد داشتيم مباحث راهبردي را به بحث بگذاريم، امّا با حضور كارشناسان به جاي مديران ناگزير به بحث‌هاي فني محدود مي‌شويم.
3. مقدمه‌اي كوتاه فرمودند كه هدف اين است: دولت موظف شده در برنامه پنجم توسعه ميزان بهره‌برداري كشور از آموزش الكترونيكي را در طول پنج سال 30% رشد دهد. هيچ شاخصي هم براي اين عدد تعيين نشده است و معلوم هم نكرده‌اند منظور از اين عدد چيست. كميته‌اي در اين معاونت تشكيل شده كه اين هدف را تأمين نمايد.
4. دكتر …… اظهار داشت با آموزش و پرورش و آموزش عالي گفتگو داشته است و قصدش از دعوت ما، گفتگو با حوزه علميه بوده است. تصور ايشان اين بود كه تمام حوزه علميه همين سه مجموعه‌اي است كه دعوت شده است. ايشان درخواست كرد اگر مركز حوزوي ديگري نيز مي‌شناسيم كه نياز به حضورشان در اين جلسه هست، معرفي نماييم.
5. دكتر …… مي‌گفت: ما هيچ اعتبار مالي براي شما تأمين نمي‌كنيم. كمكي هم نخواهيم كرد. ما تنها وظيفه داريم هماهنگي ميان دستگاه‌ها را فراهم نماييم. شما بايد برنامه‌هاي كلان خود را براي رشد آموزش الكترونيكي ارائه نماييد، آن بخشي از برنامه‌هاي شما كه وجهه ملّي داشته باشد را ما با ساير دستگاه‌ها هماهنگ مي‌كنيم كه به شما ياري برسانند.
6. ايشان حتي تعريف آموزش الكترونيكي را هم قطعي نمي‌دانست و فرمودند هر دستگاهي يك تعريفي دارد و ما در اين خصوص چالش داريم، شما هم هر تعريفي داريد بيان كنيد. آمارهاي ايشان حاكي از اين بود كه سه نسل از آموزش الكترونيكي وجود دارد كه دنيا وارد نسل سوّم، يعني آموزش از طريق شبكه‌هاي مجازي شده است و ما هنوز به صورت جدّي نسل اول آموزش الكترونيكي را نيز تجربه نكرده‌ايم و از دنيا 25 سال در اين زمينه عقب هستيم.
7. بنا شد به هر شخص فرصتي داده شود كه مطالب خود را بيان نمايد. از بنده آغاز كردند (به عنوان تنها ملبّس مجلس) كه بنده 10 دقيقه مطالبي را عرض كردم. جامعةالمصطفايي‌ها چون دو نفر بودند هر كدام نيم‌ساعت و در مجموع يك‌ساعت گفتار كردند. يك ربع هم به مؤسسه امام خميني(ره) رسيد! در نهايت نيز دوباره مجادله‌اي ميان جامعةالمصطفي(ص) و دكتر …… حادث شد كه جلسه از ساعت 5 تا 7 ادامه يافت و در 7:15 پايان يافت.
8. بنده ساختار حوزه علميه را براي ايشان شرح كردم كه بنده خدا به تعجب افتاد. ايشان حداقل‌هاي ساختار حوزه را هم نمي‌شناخت. اين‌كه حوزه علميه خواهران مستقل از برادران است. جامعةالزهراء هم از حوزه علميه خواهران مستقل است. نهادهاي رسمي و غيررسمي را برشمردم و اين‌كه دفاتر مراجع عظام تقليد و نهادهاي وابسته به ايشان اساساً مستقل از مركز مديريت هستند. عرض كردم بيش از 400 مركز و مؤسسه حوزوي چند سال پيش شناسايي شده بود. ايشان نام بعضي موارد را ثبت كرد كه در جلسه بعد از آن‏ها نيز دعوت به عمل آورد.
9. چون نظر ايشان بحث راهبردي بود، بحث را كلان طرح كردم: مركز مديريت حوزه‌هاي علميه برادران، تا آن‌جايي كه بنده اطلاع دارم، به جهت مخاطب خود اساساً به دنبال راه‏اندازي آموزش الكترونيكي نبوده است و برنامه‌اي هم براي اين كار ندارد و در آينده هم اگر برنامه‌اي در اين زمينه تنظيم شود، قطعاً اولويت اول و حتي سوّم و چهارم ما هم نخواهد بود. زيرا مخاطب ما روشن است و سازوكار آموزش آن‏ها نيز تنها به روش حضوري ميسور است.
10. عرض كردم: امّا حوزه علميه خواهران به دليل مخاطب خاصّ خود، از 8 سال پيش درگير اين مسأله بوده است و براي آن برنامه‏ريزي و فعاليت نموده. جامعةالمصطفي(ص) هم كه مجموعه‌اي ويژه اصلاً براي اين كار دارد.
11. راهبرد خود را اين‏گونه ترسيم كردم: شما به جاي درگير كردن مجموعه‌هاي بزرگي چون ما (يعني ماهايي كه در اين جلسه حاضر هستيم) در اين مطلب، به سراغ ساماندهي مجموعه‌هاي كوچك برويد. عرض كردم: بسياري گروه‌هاي تبليغي در قم و شهرهاي ديگر هستند كه هم محتواي كافي دارند و هم نيروي انساني و بسيار هم چابك‌تر از ما هستند. شما اگر روي مراكز بزرگ حساب كنيد، رشد چشمگيري را شاهد نخواهيد بود. زيرا بودجه‌هاي كلان در مراكز اين‌چنيني بسيار هدررفت داشته و راندمان پاييني دارد. اين مجموعه‌ها مانند تريلي‌هاي بزرگي هستند، خودشان كم‌كم بايد از جا كنده شده و حركت كنند. بودجه لازم و هماهنگي‌هايش را هم اگر بخواهند خودشان مي‌توانند تأمين كنند.
12. كانون حاج‌آقاي …… را مثال زدم و راهكار پيشنهادي خود را اين‌گونه ارائه كردم: شما تلاش كنيد يك نرم‌افزار فارسي بسيار ساده براي آموزش الكترونيكي فراهم كنيد. داكيومنت‌هاي ناظر به متدها و روش‌هاي ارائه دوره‌هاي كوتاه‌مدت آموزشي را هم طراحي نماييد. اين را مانند يك روش ‌شيء‌گرا، همچون يك كلاس در برنامه‌نويسي، اگر خوب تعريف كرده باشيد، قابل تكرار و اجرا در هر مجموعه كوچكي است. اين مراكز كوچك را آموزش دهيد و خودشان به صورت سلول‌هايي فعّال به عرصه اينترنت و آموزش الكترونيكي هجوم مي‌برند و يك نظارت ساده بر آن‌ها كفايت مي‌كند. انگيزه كافي براي اين كار هم دارند.
13. جامعةالمصطفايي‌ها به شدت به اين مطلب بنده حمله كردند و خود را اول و آخر تمام آموزش‌هاي الكترونيكي در ايران دانستند كه حتي دانشگاه صنعتي شريف نيز به كار آن‌ها غبطه مي‌خورد و قصد دارد از تجارب آن‌ها بهره برد. اين دوستان بحث را بردند در بيان مشكلات‌شان براي ارائه مدرك تحصيلي به دانشجويان‌شان و كيفيت طراحي برنامه‌هاي آموزشي.
14. مؤسسه امام خميني(ره) نيز گزارشي از فعاليت خود ارائه نمود كه ايرادات فراواني از سوي دكتر …… به روش‌هاي ايشان وارد شد.
15. در نهايت هم هيچ بحث راهبردي ديگري جز آن‌چه بنده عرض كرده بودم طرح نشد. دكتر …… نيز فرمودند براي جلسه بعد برنامه‌هاي خود را بياوريد. يعني براي پنج سال آينده چه برنامه‌هايي داريد. گفت: ما تلاش داريم شما را وادار كنيم كه به مسأله آموزش الكترونيكي نگاه برنامه‌محور داشته باشيد. در جلسه بعد ما عده بيشتري را دعوت خواهيم كرد و هر كدام‌تان بايد بگوييد كه در برنامه پنجم توسعه مي‌خواهيد در اين موضوع چه كنيد، تا در آموزش الكترونيكي رشد داشته باشيد!
16. ايشان به شدت به شما ابراز ارادت نمودند و مايل بودند حتماً تشريف داشته باشيد. ضمن اين‌كه فرمودند حاضر بوديم جلسه را به تعويق اندازيم تا ايشان را با خود داشته باشيم.
17. خلاصه بنده تكليف خود را انجام دادم. إن‌شاءالله در جلسه بعد بتوانيد برنامه مركز مديريت در اين زمينه را به ايشان ارائه نماييد.

و من‌الله التوفيق و عليه التكلان

سيدمهدي موسوي موشَّح